



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

روزی در هوای گرم مدینه زنی جوان و زیبا در حالی که طبق معمول روسری خود را به پشت گردن انداخته و سفیدی دور گردن و کمی از سینه نمایان بود از کوچه عبور می کرد .

جوانی از جوانان انصار از طرف مقابل می آمد آن منظره زیبا ، سخت نظر او را جلب کرد ، چنان غرق تماشای آن زیبا روی شد که از خود غافل گشت و به راه خود ادامه داد در حالی که جلویش را نگاه نمی کرد .

وقتی زن گذشت ، جوان وارد کوچه ای شد ، همچنان به پشت سر خود نگاه می کرد و با چشمانش آن زن را بدرقه می کرد ، او متوجه قطعه استخوان یا شیشه ای که از دیوار کوچه بیرون زده بود نگردید ، گوشه صورتش به آن برخورد کرد و آن را شکافت .

جوان به خود آمد و دید خون از صورتش جاری است و بر لباس و سینه اش ریخته است . از آشفتگی و حالی که پیدا کرده بود سخت ناراحت شد و با خودش گفت :
به خدا قسم با همین سر و وضع خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله می روم و ماجرا را برای او می گویم .

۱ . امام باقر علیه السلام علت نزول آیات ۳۰ و ۳۱ نور را چنین بازگو می فرماید : روزی در هوای ...



سپس با همان حال به محضر پیامبر ﷺ رسید ، رسول خدا ﷺ که او را با آن وضعیت مشاهده کردند علت را جویا شدند ، جوان تمام ماجرا را برای پیامبر ﷺ تعریف کرد . در این هنگام جبرئیل نازل شد و آیات شریفه ۳۰ و ۳۱ نور را بر پیامبر ﷺ قرائت نمود^۲.

چرا حجاب؟

حجاب از ضروریات اسلام است و تمام فرق مسلمین آن را واجب می‌شمرند و در قرآن مجید در آیات متعددی صریحاً آمده است ، حتی غیر مسلمانان می‌دانند چنین حکمی در اسلام وجود دارد^۳.

س . چرا خانم‌ها باید حجاب داشته باشند . . . ؟

ج . دلیلش قرآن کریم و روایات شریفه و اجماع علماء اسلام است . . .^۴

آیات حجاب

س . کجای قرآن نوشته که زن باید حجاب داشته باشد ؟ آیا لزوم پوشش بانوان در قرآن مطرح شده است ؟

ج . بله ، اتفاقاً بحث لزوم پوشش بانوان از مواردی است که به صراحت در قرآن بیان شده است .

^۲ . تفسیرنمونه ج ۱۴ ص ۴۳۵ با اندکی تصرف ، تفسیرصافی ج ۳ ص ۴۳۰ .

^۳ . آیت‌الله مکارم شیرازی ، استفتائات ج ۲ ص ۳۴۸ س ۱۰۲۱ .

^۴ . آیت‌الله صافی گلپایگانی ، معارف دین ج ۲ ص ۳۴۶ س ۲۰ .



۱. سوره شریفه نور آیات ۳۱.

۲. سوره مبارکه احزاب آیه ۵۹.^۵

آیه اول

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَتَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ۗ وَلَا يَضْرِبْنَ خُمْرَهُنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ ۗ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ ۗ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ ۗ مِن زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۚ

واژه خُمُر و جیب

واژه خُمُر جمع خِمار دراصل به معنی پوشش است ولی معمولاً به چیزی گفته می‌شود که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند (روسری یا مقنعه).

واژه جُیوب جمع جِیب به معنی یقه پیراهن است که از آن به گریبان تعبیر می‌شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می‌شود.

^۵ . برای توضیح درباره مفهوم و لغات آیات شریفه به تفاسیر مختلف عربی و فارسی ، از جمله تفسیر نمونه ج ۱۴

ص ۴۳۵ و ج ۱۷ ص ۴۲۵ مراجعه فرمایید .

^۶ . ای پیامبر ﷺ به زنان با ایمان بگو : ... روسری‌های خود را بر سینه افکنند تا گردن و سینه و سر را بپوشاند ...



قبل از نزول این آیه زنان عرب دامنه روسری خود را به جای این که از جلو ، روی سینه بیندازند از پشت گوش به عقب می انداختند یا به پشت سر بر روی شانه ها می افکندند . و از طرفی یقه لباس هایشان هم باز بود در نتیجه جلوی سینه و دور گردن و زیر چانه و گوش ها و گوشواره ها و مقداری از موی سر نمایان می شد و خداوند با فرستادن این آیه دستور داد :

زنان روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است و هم موی سر و گوش ها پوشیده باشد.^۷

آیه دوم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا^۸

جلباب چیست ؟

آن چه از مفاد گفتار دانشمندان لغت عرب^۹ در تعریف واژه جلباب در یک عبارت

^۷ . تفسیر نمونه ج ۱۴ ص ۴۳۵ با اندکی تصرف .

^۸ . احزاب ۵۹: ای پیامبر ﷺ به همسران و دخترانت و زنان افراد مؤمن بگو: جلباب های خود را بر خویش فرا فکنند ، این کار برای اینکه (از کنیزان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است . (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنان سرزده توبه کنند) که خداوند همواره آمرزنده و مهربان است .

^۹ . لغت دانان درباره این که لغت جلباب که به نوعی از پوشش اشاره دارد تا چه مقدار از پوشش را شامل می شود هر کدام مصداق و نمونه ای را برشمرده اند :

الف . خمار (روسری) . مفردات الفاظ قرآن لغت جلب ص ۱۹۹ ، قاموس قرآن ج ۲ لغت خمر ص ۲۹۹

ب . پوششی که از خمار وسیع تر و از رداء (لباس رو مثل عباء) کوچکتر است . لسان العرب ج ۲ لغت جلب



جامع می توان بیان کرد ، چنین است :

جلباب ، نوعی پوشش گسترده با وسعت کافی است که زنان مسلمان با عفت روی همه لباس های خود می پوشند به گونه ای که لباس ها ، حجم بدن و زیورآلات آنها را مخفی نماید .

بنابراین لباس و پوشش هایی که برجستگی بدن را نمایان نموده و باعث خودنمایی و جلوه گری و نمایش اندام بانوان باشد ، از دایره تعریف حجاب و پوشش اسلامی خارج می باشد و می توان چادر را کامل ترین نوع پوشش برای تحقق بخشیدن به مفهوم جلباب دانست .

شان نزول آیه

در مورد شان نزول این آیه چنین آمده است : در آن زمان گروهی از زنان مسلمان به مسجد می رفتند و پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می خواندند ، شب هنگام موقعی که برای نماز مغرب و عشاء می رفتند بعضی از جوانان هرزه و اوباش بر سر راه آنان می نشستند و با مزاح و سخنان ناروا آنان را آزار می دادند و مزاحم آنان می شدند . آیه فوق نازل شد و به آنان دستور داد : حجاب خود را به طور کامل مراعات کنند تا کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند^{۱۰} .

ج . هرآنچه که به وسیله آن ، لباس و غیرش پوشانده شوند . لسان العرب ج ۲ لغت جلب ، المصباح المنیر ص ۱۰۴ با توجه به دو قرینه می توان استظهار نمود که در آیه شریفه معنای اول (خمار) مقصود نیست بلکه اشاره به معنایی جامع از معنای دوم و سوم دارد .

۱۰ . تفسیر نمونه ج ۱۷ آیه ۵۹ احزاب ص ۴۲۶ . تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۳۰۷ : و اما قوله عز وجل : یا ایها النبی قل



چرا که در آن زمان معمول بوده که کنیزان بدون پوشش سر و گردن از منزل بیرون می آمدند ، و از آن جا که از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند گاهی بعضی از جوانان هرزه مزاحم آن ها می شدند ، در اینجا به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا از کنیزان شناخته شوند و بهانه ای برای مزاحمت به دست هرزگان ندهند^{۱۱}.

بیان یک نکته : ...^{۱۲}

نکته ای دیگر

واژه یُدْنِینَ از مصدر اِدْنَاءُ به معنی نزدیک کردن است . یعنی زنان پوشش خود را به گونه ای سرکنند که به راحتی از دور بدن کنار نرود ، چنین نباشد که جنبه تشریفاتی و عاریه ای داشته باشد و آن را آزاد بگذارند بطوری که در منزل یا در کوچه و خیابان در مقابل نامحرم ، پوشش گاه و بیگاه کنار رفته و زینت و مو و

لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن فإنه کان سبب نزولها ان النساء کن ینخرجن إلی المسجد ویصلین خلف رسول الله ﷺ فإذا کان باللیل و خرجن إلی صلاة المغرب و العشاء الآخرة یقعد الشباب لهن فی طریقهن فیؤذونهن و یتعرضوا لهن فأنزل الله عزوجل : (یا ایها النبی قل لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین) إلی قوله تعالی (ذلک أدنی أن یرفرن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً) .

^{۱۱} . تفسیر مجمع البیان ج ۸ ص ۵۸۰ ، تفسیر نمونه ج ۱۷ ص ۴۲۶ .

^{۱۲} . با توجه به حکمتی که در آیه مذکور برای حجاب ذکر گردیده شده ذلک أدنی أن یرفرن فلا یؤذین ، این کار برای این که (از کنیزان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است ، آنچه که به تقوا نزدیکتر است و در امان بودن از آزار و اذیت دیگران مؤثر است همان پوشش کاملی است که بدن و لباس زن ها را می پوشاند .

می توان در تأیید این برداشت به سخن ابن عباس توجه نمود که در تعریف جلاباب گفته است : جلاباب پوششی است

که از بالای سر تا پایین را می پوشاند (یَسْتُرُ مِنْ فَوْقِ الِی اسْفَلِ) . تفسیر جوامع الجامع ج ۳ ص ۹۱



اعضای بدنشان نمایان شود. بلکه با نزدیک کردن گوشه‌های آن به هم، شناسایی خود را در مقابل نامحرمان به حداقل کاهش دهند. به تعبیر ساده خودمان پوشش را جمع و جور کنند تا درست آنان را محفوظ دارد.

رنگ جلاب

که از ام سلمه همسر گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که: هنگامی که آیه حجاب نازل شد زنان انصار از منزل بیرون آمدند درحالی که پوشش مشکی به سر داشتند.^{۱۳}

این حدیث نشان می‌دهد که زنان عرب هنگام نزول آیه همین معنی به ذهنشان رسیده است و این مؤید آن است که مشکی بودن اصل معنای جلاب می‌باشد.

پیامها

از آیات شریفه پیام‌هایی قابل استفاده است که توجه به آنها مناسب است:

پیام اول: خانواده نقطه شروع در اصلاح و هدایت^{۱۴}.

پیام دوم: نقش محوری و اصلی در تربیت فرزند به دوش مادر^{۱۵}.

^{۱۳} عن أم سلمة رضی الله عنها قالت لما نزلت هذه الآية يدنين عليهن من جلابيبهن خرج نساء الأنصار كان على رؤسهن الغربان من أكسية سود يلبسنها. الدر المنثور ج ۵ ص ۲۲۱

^{۱۴} از این که در اول آیه، همسران و دختران را مقدم بر سایر زنان آورد شاید بتوان استفاده نمود که هر فردی در امر به معروف و نهی از منکر قبل از هر کسی باید از خانواده خود شروع کند و آنان را اصلاح و هدایت نماید.

^{۱۵} از این که ابتداء همسران، مورد خطابند، ممکن است استفاده شود که مادر، نقش محوری و اصلی را در تربیت فرزندان دارد. لذا اگر مادر واقعاً اهل تقوی و عفت و حجاب باشد معنویت و رفتار او معمولاً در دخترش اثر می‌گذارد.



پیام سوم: استفاده از دو پوشش به صورت همزمان^{۱۶}.

پیام چهارم: حکمت حجاب^{۱۷}.

پیام پنجم: حجاب امر الهی است و به رضایت دیگران مشروط نیست^{۱۸}.

^{۱۶}. در قرآن برای زن، دو پوشش در مقابل نامحرمان بیان شده است: ۱. روسری یا مقنعه ۲. جلباب، استفاده همزمان از این دو نوع پوشش ممکن است حکمتش آن باشد که اگر اتفاقاً در هنگام راه رفتن یا نشست و برخاست یا پیش آمد دیگر مثل وزش باد، پوشش رویین کمی باز شد سر و گردن و سینه آشکار نگردد و این قسمت‌های حساس پوشش بیشتری داشته باشد و احتیاطی افزون انجام گیرد تا عفت و نجابت و شخصیت زن کاملاً از دید نامحرمان مصون و محفوظ بماند.

^{۱۷}. در پایان آیه، فلسفه حجاب را اشاره نموده است که: حجاب بخاطر آن است که زن، با حجاب شناخته شود. در واقع پوشش مرزی است که زنان دارای هویت فرهنگی و منزلت انسانی و معنوی را از زنان بدحجاب و آلوده جدا نماید. حجاب برای آن است که زنان مورد آزار و اذیت قرار نگیرند. وقتی زن کاملاً خود را بپوشاند و با پاکدامنی در جامعه و محل تحصیل و کار ظاهر شود دیگر چشم‌ها به طرف او خیره نخواهد شد و جوانان و مردان هرزه‌ای که در سر راه ایستاده‌اند، می‌فهمند که او زن عفیف و پاکدامنی است، لذا او را با شوخی و متلک گفتن و حرف‌های زشت... آزار نمی‌دهند و از خطرات در امان خواهد ماند. اما خانمی که پوشش صحیح ندارد و خودآرایی می‌کند افراد مریض و مغرض را متوجه خود می‌کند و طبیعی است که چنین افرادی مزاحمت‌هایی برای او ایجاد می‌کنند و گاهی هم مورد هجوم و حمله بعضی از مردان آلوده قرار خواهند گرفت و در بعضی مواقع جان و آبروی او را از دست خواهد داد. اگر پرونده جنایتکاران را با عنوان‌هایی نظیر خفّاش شب، گروه عقرب، گروه باغ آلو... که محاکمه شده‌اند را مرور کنید، می‌بینید تقریباً تمام کسانی که به دام اینان افتاده و پس از تحمّل آزارهای فراوان جان خود را از دست داده‌اند خانم‌هایی بوده‌اند که پوشش لازم و خدایسند را نداشته‌اند.

^{۱۸}. حجاب زن، امر الهی است، این گونه نیست که زن بگوید: من دلم می‌خواهد حجابم کامل نباشد یا مردی بگوید: من راضی هستم همسرم بدحجاب بوده یا مختصر آرایشی داشته باشد. دستور به حجاب، بر اساس حکمت و برای خیر و مصلحت ما وضع شده است. اگر شوهر بی‌غیرت است و همسرش را به عدم رعایت پوشش اسلامی دعوت می‌کند و یا پدر فرزندش را به بدحجابی امر می‌کند، مخالفت با آن‌ها واجب است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: لا طاعةَ لمخلوقٍ فی معصية الخالق، هیچ اطاعتی از مخلوق، در نافرمانی از پروردگار روا

نیست. بحارالانوار ج ۱۰ ص ۳۵۶، نهج البلاغه کلمات قصار حکمت ۱۶۵ ص ۴۷۴



آیه‌ای دیگر

س : آیه شریفه وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ^{۱۹} آیا تنها

اختصاص به زنان نبی مکرم صلی الله علیه و آله دارد یا شامل تمام بانوان مسلمان می‌شود و این

آیه چه پیامی برای بانوان عصر ما دارد ؟

آیت الله مکارم شیرازی : این آیه شامل همه زنان می‌شود زیرا تمام احکام اسلام

بین همه مسلمین مشترک است مگر در جایی که دلیل خاصی بر اختصاصی بودن

آن داشته باشیم برای توضیح بیشتر به تفسیر نمونه ذیل آیه مذکور مراجعه کنید .

آیت الله صافی گلپایگانی : آیه شریفه در مورد زنان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

نازل شده ، لکن رعایت آن برای همه زنان مطلوب است و سیره متدینین نیز بر

همین بوده است ، و به هر حال از آیه شریفه به مناسبت حکم و موضوع ، استفاده

می‌شود که عموم زنان نباید خود را در معرض دید اجنبی قرار دهند و علاوه بر

آنچه از آیه استفاده می‌شود ، تجربه و مشاهدات بخوبی نشان می‌دهد که اگر

بین زن و مرد نامحرم حریمی وجود نداشته باشد تبعات سوء و مفسدی دارد .

آیت الله شاهرودی : آیه شریفه و إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ الْحِجَابِ

سوره احزاب ، اختصاص به زنان نبی اکرم اسلام صلی الله علیه و آله ندارد و شامل تمام زنان

مسلمان می‌شود که باید حجاب داشته باشند اگر مرد نامحرم بخواهد با زن

نامحرم صحبت کند یا چیزی از او سؤال کند باید حجاب داشته باشند و پیام این



آیه شریفه به بانوان این است که در هر حال خصوصاً در بازار و خیابان و هنگام خرید و رفتن به مهمانی ها و مجالس عزا و عروسی باید رعایت حجاب را نموده و بد حجاب نباشند .

آیت الله بهجت : شامل تمام زن ها می شود و از این آیه شریفه استفاده می شود که زن ها به هیچ وجه و نحو ارتباط و اختلاط با نامحرم ها نباید داشته باشند .
مقام معظم رهبری : این سؤال استفتاء از حکم شرعی نیست . به کتب مربوطه و علمای محترم شهرتان مراجعه کنید^{۲۰} .

پوشش پس از شهادت

✍ **اسماء بنت عمیس :** روزی حضرت فاطمه علیها السلام به من فرمود :

من از کار مردم مدینه - که زنان خود را بعد از مرگ به صورت ناخوشایندی برای دفن می برند و تنها پارچه ای بر او می افکنند که حجم بدن از پشت آن نمایان است - ناخرسندم .

من گفتم : در سرزمین حبشه چیزی دیده ام که با آن جنازه مردگان را حمل می کردند ، سپس اسماء شاخه هایی از درخت نخل را برداشت و به صورت تابوت مخصوصی در آورد و گفت : مردم حبشه بر روی چوب هایی این چنین پارچه ای می افکنند و جسد را درون آن می گذارند به گونه ای که حجم بدن پیدا نبود .

هنگامی که بانوی بزرگ اسلام آن را مشاهده کرد فرمود :

^{۲۰} . استفتاء خصوصی کتبی از مراجع عظام تقلید .



بسیار خوب و عالی است و هنگامی که من از دنیا رفتم مرا با آن بردارید.^{۲۱}

اولین تابوت در اسلام

که امام صادق علیه السلام : اولین کسی که در اسلام تابوت برای جنازه مطهرش قرار داده شد ، حضرت فاطمه علیها السلام بود .^{۲۲}

که ابن عباس گوید : وقتی حضرت زهرا علیها السلام (در اثر غصه ها و ضرب و شتم ها) مریض شدند ، به اسماء فرمود : جنازه مرا طوری حمل کنید که حجم بدنم پیدا نباشد .

اسماء بنت عمیس تابوتی از شاخه های درخت خرما برای آن حضرت درست کرد و این اولین تابوت در اسلام بود .

وقتی حضرت زهرا علیها السلام آن را دیدند ، لبخندی زدند که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله تا آن روز او را چنین خوشحال ندیده بودیم . سپس جنازه مطهرش را شبانه حمل و دفن نمودیم .^{۲۳}

✓ آری دختر پیامبر صلی الله علیه و آله به فکر بعد از وفات خود هم هستند که مبادا حجم

^{۲۱} . بحار الانوار ج ۴۳ باب ما وقع علیها من الظلم و بکائها و حزنها ح ۱۹ ص ۱۹۰ .

^{۲۲} . قال الصادق علیه السلام : أول من جعل له النعش ، فاطمة بنت محمد صلوات الله علیها .

من لا یحضره الفقیه ج ۱ ب ۲۷ ص ۱۲۴ ح ۳۹ .

^{۲۳} . عن ابن عباس قال : مرّضت فاطمة علیها السلام مرضاً شديداً فقالت لأسماء بنت عمیس ألاترین إلی ما بلغت ، فلاتحملینی علی سریر ظاهر فقالت لا لعمری ، ولكن أصنع نعشاً كما رأیت یصنع بالحبشة ، فقالت : أرینیه فأرسلت إلی جراید رطبة فقطعت من الأسواق ، ثم جعلت علی السریر نعشاً ، وهو أول ما كان النعش فتبسمت وما رأيتها متبسمة إلا یومئذ ، حملناها فدفناها لیلاً .

بحار الانوار ج ۸۱ باب ششم : تجهیز المیت ح ۹ ص ۲۵۰



بدنشان از پشت پارچه کفن دیده شود، اما با کمال تأسف جمعی از زنان مسلمان افتخارشان این است که با سر و روی باز و آرایش کرده بین نامحرمان ظاهر می‌شوند یا در میادین ورزشی تحت عنوان ورزش بانوان به خودنمایی پرداخته و با نمایش گذاردن خود در مقابل مسلمان و کافر، آخرت خود را به دنیا می‌فروشند.

خنده فرشتگان

که رسول خدا ﷺ از حضرت جبرئیل علیه السلام سؤال نمود:

آیا فرشتگان خنده و گریه دارند؟

جبرئیل علیه السلام عرض کرد: بله، در سه جا از روی تعجب می‌خندند و در سه جا از روی ترحم می‌گیرند....

مورد سوم: زن بدحجابی که می‌میرد و بستگانش او را در قبر می‌گذارند و روی آن زن را با خشت و خاک می‌پوشانند تا حجم بدنش دیده نشود، فرشتگان می‌خندند و می‌گویند: تا وقتی که جوان بود و با دیدنش هر کس را تحریک می‌کرد و به گناه می‌انداخت شما او را نپوشانید ولی اکنون که مرده و همه از دیدنش نفرت دارند، او را می‌پوشانید؟! ^{۲۴}

حجاب حضرت خدیجه علیها السلام

که عبدالله بن مسعود روایت می‌کند: آنگاه مردی از باب صفا، وارد مسجد الحرام شد که چهره گندم‌گون داشت و موهای مجعد او تا بنا گوشش را فرا

^{۲۴}. المواعظ العددیه باب سوم فصل چهارم ص ۱۴۴ و ۱۴۵.



گرفته ، بینیش کشیده و تنگ پرده بود ، دندان‌هایش از سفیدی می‌درخشید و چشم‌هایش سیاه فام بود ، محاسنش انبوه و . . .

در جانب راست او جوان زیبا چهره‌ای که به حد بلوغ رسیده یا نرسیده حرکت می‌کرد و در پشت سر او زنی قرار داشت که کاملاً خود را پوشیده بود و به این ترتیب به سوی حجرالأسود می‌رفتند ، وقتی به حجر رسیدند نخست آن مرد که پیشاپیش حرکت می‌کرد ، استلام حجر نمود ، پس از او آن جوان به استلام حجر پرداخت و بعد از جوان ، آن زن استلام حجر نمود .

بعد از استلام حجر ، هفت مرتبه به طواف خانه کعبه پرداختند .

در این رابطه از ابوالفضل^{۲۵} پرسیدم :

آیا این رویه ویژه شما بوده است که ما از چگونگی آن اطلاعی نداریم و یا رویه تازه‌ای است که پیش آمده است ؟

عباس قبل از پاسخ ، به معرفی آنان پرداخت ، گفت :

این مرد برادرزاده‌ام ، محمد بن عبدالله^{صلی‌الله‌علیه‌وآله} ، و آن نوجوان ، علی بن ابیطالب^{رضی‌الله‌تعالی‌عنه} و آن زن ، خدیجه کبری^{رضی‌الله‌تعالی‌عنها} ، همسر محمد^{صلی‌الله‌علیه‌وآله} است .

و گفتنی است که در تمام روی زمین ، از کسی شنیده نشده است که خدا را به این دین و آیین ، عبادت کند جز این سه نفر^{۲۶} .

^{۲۵} . لقب عباس عموی پیامبر .

^{۲۶} . عن عبدالله بن مسعود قال : إن أول شيء علمته من أمر رسول الله^{صلی‌الله‌علیه‌وآله} أني قدمت مكة في غمومة لي فأرشدونا على العباس بن عبدالمطلب فأنتهينا إليه و هو جالس إلى من ثم فجلسنا إليه فبينما نحن عنده إذ أقبل رجل من باب الصفا تغلوه



دختر امام حسین علیه السلام

فاطمه دختر امام حسین علیه السلام می‌فرماید :

(در روز عاشورا) کودکی صغیر بودم ^{۲۷} ، در کنار درب خیمه ایستاده و به اجساد پدرم و اصحابش نظاره می‌کردم که مانند قربانی قطعه قطعه شده ، بر روی ریگ‌های بیابان افتاده و اسب‌ها بر روی بدن آنان دور می‌زدند .

در این فکر بودم که بعد از شهادت پدرم ، بنی‌امیه چه بر سر ما می‌آورند ، آیا ما را هم می‌کشند یا ما را به اسارت می‌برند ؟

در این بین متوجه مردی شدم که بر اسب خود سوار است و با ته نیزه‌ای که در دست دارد ، زنان را به حرکت وادار می‌نماید ، برخی از زنان به بعض دیگر پناه می‌بردند ، مقنعه و دست بندهای آنان را غارت نموده و آنان فریاد می‌زدند :

وَأَجْدَاهُ وَالْأَبْتَاهُ وَأَعْلِيَّاهُ وَأَقْلَّةَ نَاصِرَاهُ وَاحْسَنَاهُ .

آیا پناه دهنده‌ای نیست که به ما پناه دهد ؟ آیا حمایت کننده‌ای نیست که از ما حمایت کند ؟

حُمْرَةٌ وَ لَهُ وَفْرَةٌ جَعَدَةٌ إِلَى أَنْصَافِ أُذُنَيْهِ أَقْنَى الْأَنْفِ بَرَّاقُ الثَّنَائِيَا أَدْعَجُ الْعَيْنَيْنِ كَثَّ اللَّحْيَةِ مَعَهُ مَرَاهِقٌ أَوْ مُحْتَلِمٌ تَقْفُوهُ امْرَأَةٌ قَدْ سَتَرَتْ مُحَاسِنَهَا حَتَّى قَصَدُوا نَحْوَ الْحَجَرِ فَاسْتَلَمَهُ ثُمَّ اسْتَلَمَ الْغَلَامُ ثُمَّ اسْتَلَمَتْهُ الْمَرْأَةُ ثُمَّ طَافَ بِالْبَيْتِ سَبْعًا وَالْغَلَامُ وَالْمَرْأَةُ يَطُوفَانِ مَعَهُ فَقَلْنَا يَا أَبَا الْفَضْلِ إِنَّ هَذَا الدِّينَ لَمْ نَكُنْ نَعْرِفُهُ فَبِكُمْ أَوْ شَيْءٍ حَدَّثَ قَالَ هَذَا ابْنُ أَخِي مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَالْغَلَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَالْمَرْأَةُ امْرَأَتُهُ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ تَعَالَى بِهَذَا الدِّينِ إِلَّا هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةُ .

کشف الغمّة فی معرفة الأئمة ، ذکر الامام علی بن ابیطالب ، ما جاء فی إسلامه و سبقه و سنّه ، ج ۱ ص ۸۴

الفصول المختارة للمفید فصل فی شبهة الناصبة عدم کون ایمان علی علیه السلام علی وجه المعرفة ص ۲۷۴ و ۲۷۵

^{۲۷} . روى عن فاطمه بنت الحسين علیها السلام قالت كنت صغيرة و ... جلاء العيون سيد عبدالله شبر ج ۲ ص ۲۶۰ و ۲۶۱



(با دیدن این صحنه) دلم فرو ریخت و شانهایم به شدت لرزید ، به راست و چپ دور می‌زدم و از ترس آن سوار ، به عمّه‌ام (ام‌کلثوم) روی آوردم .
حالم این چنین بود که در این بین ناگهان دیدم آن سوار متوجه من گردیده ، به گمان این که از شر او در امان می‌مانم مانند فرد شکست خورده فرار نمودم ، امّا ناگهان دیدم مرا تعقیب می‌نماید .

ناگاه ، ضربه گوشه نیزه را بین دو کتفم احساس نمودم ، با صورت بر زمین خوردم ، او گوشم را درید ، گوشواره و مقنعه‌ام را ربود و در حالی که بر گونه و سرم خون جاری بود و آفتاب بر سرم می‌تابید و آن را می‌سوزاند مرا رها نموده و به طرف خیمه‌ها بازگشت ، از هوش رفتم .

آیا تگّه‌ای هست تا سرم را بپوشانم ؟

ناگاه دیدم عمّه‌ام در کنارم گریه می‌کند و به من می‌گوید : بلند شو برویم ، نمی‌دانم چه بر سر خواهران و برادر بیمار است .
بلند شدم و به عمّه‌ام گفتم :

آیا تگّه‌ای از لباس هست تا سرم را در برابر دیدگان نامحرمان بپوشانم ؟

عمه‌ام فرمود : دخترم . . . (قلم یارای نوشتن و ترجمه این قسمت را ندارد) .

زمانی که به طرف خیمه بازگشتیم دیدیم خیمه و آنچه در آن است غارت گردیده و برادرم علی بن الحسین علیه السلام با صورت بر زمین افتاده و از زیادی گرسنگی و تشنگی و بیماری و درد نمی‌توانست حرکت کرده و بنشیند . ما بر حال او گریه



کرده و او بر ما می گریست^{۲۸}.

پیام روایت

اولین خواسته فاطمه دختر امام حسین علیه السلام از عمّه اش علیها السلام ، تگّه پارچه ای است که بتواند با آن سر خود را بپوشاند تا از دیدگان مخفی بماند ، حال آن که در آن زمان کودکی بیش نبوده است صخیره بوده نه کبیره ! و این مطلب ، نهایت اهمیت دادن به حجاب ، در بین خاندان وحی می باشد .

^{۲۸}. رأیتُ فی بعضِ الکُتُبِ أن فاطمةَ الصغری قالت :

كنتُ واقفةً بباب الخیمة و أنا أنظرُ إلى أبی و أصحابی مجزّین کالأضحی ، علی الرّمال و الخُیول علی أجسادهم تجُول و أنا أفکرُ فیما یقع علینا بعد أبی ، من بنی أمیة أیقتلوننا أو یأسروننا ؟
 فإذا برجل علی ظهر جواده یسوق النساء بکعب رمحه و هنّ یلذن بعضهن ببعض و قد أخذ ما علیهن من أخمرة و أسورة و هنّ یصحن و اجداه و أبتاه و اعلیاه و اقلّة ناصراه و احسناه أما من مُجیرٍ یجیرنا ؟ أما من ذائد یدود عتاً ؟
 قالت : فطار فؤادی و ارتعدت فرائصی فجعلت أجیل بطرفی یمیناً و شمالاً علی عمّتی أم کلثوم خشیة منه أن یأتینی .
 فیبنا أنا علی هذه الحالة و إذا به قد قصّدتنی ففررتُ مُنْهَرَمَةً و أنا أظنُّ أنّی أسلمُ منه و إذا به قد تبعنی فذهلتُ خشیةً منه
 و إذا بکعب الرّمح بین کتفّی فسقطتُ علی وجهی .
 فخرمُ أدنّی و أخذ قرطی و مقنعتی و ترک الدماء تسیل علی خدی و رأسی تصهره الشمس و ولی راجعاً إلى الخیم و أنا مغشیٌّ علیّ و إذا أنا بعمّتی عندی تبکی و هی تقول قومی نمضی ما أعلم ما جرى علی البنات و أخیک العلیل .
 فقمتُ و قلت : یا عمّتاه هل من خرقة أستر بها رأسی عن أعین النظار ؟

فألت : یا بنتاه و عمّتک مثلک !

فأرأیتُ رأسها مكشوفةً و متنها قد اسودّت من الضرب .

فما رجعنا إلى الخیمة إلا و هی قد نهبت و ما فیها و أخی علی بن الحسین مكبوب علی وجهه لا یطیق الجلوس من كثرة الجوع و العطش و الأسقام فجعلنا نبکی علیه و یبکی علینا .

بحار الأنوار ج ۴۵ ص ۶۰ و ۶۱ بقیة الباب ۳۷ سائر ما جرى علیه بعد ...



نزدیک ترین حالات به پروردگار

که رسول الله ﷺ از اصحاب خود پرسیدند :

نزدیک ترین حالات زن به خداوند ، چه زمانی است ؟

اصحاب پاسخ را نمی دانستند ، خبر به حضرت زهرا علیها السلام رسید ، فرمود :

آن زمان زن به پروردگارش نزدیک تر است که ملازم قعر خانه اش باشد .

پیامبر صلی الله علیه و آله (تا سخن فاطمه را شنید) فرمود : فاطمه پاره تن من است ^{۲۹}.

داستان مرد نابینا

که امام علی علیه السلام :

مردی نابینا ^{۳۰} ، رسول خدا صلی الله علیه و آله را که در بیت فاطمه علیها السلام بود ، می خواست ملاقات

نماید ، از حضرت زهرا علیها السلام اجازه خواست ، حضرت خود را پنهان نمود .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : او که تو را نمی بیند ، چرا پنهان شدی ؟

صدیقه طاهره علیها السلام فرمود : هر چند مرا نمی بیند ولی من که او را می بینم ، نمی بیند

ولی رایحه را استشمام می کند !

^{۲۹} . سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَصْحَابَهُ عَنِ الْمَرْأَةِ مَا هِيَ قَالُوا عَوْرَةٌ قَالَ فَمَتَى تَكُونُ أَدْنَى مِنْ رَبِّهَا فَلَمْ يَدْرُوا فَلَمَّا سَمِعَتْ فَاطِمَةَ

علیها السلام ذَلِكَ قَالَتْ أَدْنَى مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعْرَ بَيْتِهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي .

سفينة البحار ج ۲ باب الخاء بعده اللام ص ۷۰۴

^{۳۰} . ظاهراً مرد نابینا ، همان ابن أم مكتوم مؤذن دیگر پیامبر بوده است که با پیامبر زیاد ارتباط داشته ، چنانچه در جریان

عایشه و حفصه ، باز هم سخن از او به میان می آید .



رسول الله ﷺ فرمود: شهادت می‌دهم که تو پاره تن منی^{۳۱}.

که ابن ام مکتوم، از رسول الله ﷺ اجازه خواست، پیامبر ﷺ به همسرانش

عایشه و حفصه فرمود: برخیزید و داخل اتاق بروید.

آن دو گفتند: آن مرد نابیناست.

حضرت فرمود: اگر او شما را نمی‌بیند، شما که او را می‌بینید^{۳۲}.

تذکر: متأسفانه ملای رومی خبیث، در مثنوی، این جریان را وارونه جلوه داده

است^{۳۳}.

۳۱. عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ: قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ اسْتَأْذَنَ أَعْمَى عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا فَحَجَبَتْهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَهَا لِمَ حَجَبْتِيهِ وَهُوَ لَا يَرَاكِ فَقَالَتْ عَلَيْهَا إِنَّ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَإِنِّي أَرَاهُ وَهُوَ يَشْمُ الرِّيحَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي.

بحار الانوار ج ۴۳ باب ۴ ص ۹۱ ح ۱۶

۳۲. اسْتَأْذَنَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَعِنْدَهُ عَائِشَةُ وَحَفْصَةُ فَقَالَ لَهُمَا قُومَا فَادْخُلَا الْبَيْتَ فَقَالَتَا إِنَّهُ أَعْمَى فَقَالَ إِنَّ لَمْ يَرِكُمْمَا فَإِنِّكُمْمَا تَرِيَانِهِ.

کافی ج ۵ کتاب النکاح ص ۵۳۴ ح ۲

۳۳. ملای رومی می‌گوید:

کای نوا بخش تنور ازهر خمیر...	اندر آمد پیش پیغمبر ضریر
عایشه بگریخت بهر احتجاب	چون در آمد آن ضریر از در شتاب
از غیوری رسول رشک تاک...	زان که واقف بود آن خاتون پاک
او نمی بیند ترا، کم شو نهان	گفت پیغمبر برای امتحان
او نبیند لیک من بینم ورا...	کرد اشارت عایشه با دست‌ها

مثنوی دفتر ۶ ص ۱۰۵۹ آمدن ضریر به خانه پیغمبر

۳۴. ملای رومی دارای انحرافات فراوان است که این مورد که ذکر شد یکی از خباثت‌های اوست، لعنت خدا بر او باد.



منفعت بانوان

حضرت زهرا علیها السلام: بهتر است برای بانوان که نامحرمی نبینند و نامحرم هم آنان را نبیند.^{۳۵}

✓ آری ، إِنَّ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ .

زهرای مرضیه ، مصداق بارز حیا و عفت ، حجاب و پاکدامنی پاره تن رسول الله و بهترین الگو برای بانوان می باشد .

أما روایات دیگر درباره غیرت و مردانگی و تکلیف مردان :

دیدگان و حجاب شدید

کج فرازی از نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسن علیه السلام :... دیدگان زنان را با در حجاب قرار دادن آنان پوشان^{۳۶} ، زیرا حجاب شدید ، بهتر است برای تو و آنان ، از این که شک و تردید ایجاد شود . . . و اگر می توانی نگذاری مردان نامحرم آنان را بشناسند ، این کار را بکن^{۳۷} . . .

^{۳۵} . . . خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ . . .

وسائل الشيعة ج ۱۴ کتاب النکاح باب ۲۴ ص ۴۳ ح ۷ . بحار الانوار ج ۴۳ ص ۵۴ ح ۴۸

^{۳۶} . حجاب در این جا به معنی بیرون نیامدن زن از منزل می باشد .

^{۳۷} . أمير المؤمنين علیه السلام في رسالته إلى الحسن علیه السلام إِيَّاكَ وَمَشَاوِرَةَ النِّسَاءِ . . . وَ اكْتَفَى عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِسَاهَنْ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ خَيْرٌ لَكَ وَ لِهِنَّ مِنَ الْإِرْتِيَابِ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ دُخُولِ مَنْ لَا تَتَّقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ مِنَ الرِّجَالِ فَافْعَلْ . كافي ج ۵ ص ۳۳۸ . ۲۱۴ . سفينة البحار ج ۸ النون بعده السين ص ۲۴۳



با مستور نمودن و در حجاب قراردادن ، چشمان آنان را پاکیزه نگهدار و مانع دیدگانشان باش ^{۳۸}.

غیرت شدید

کعبه تعدادی اسیر نزد پیامبر ﷺ آوردند ، حضرت دستور دادند یک نفر از آنان را آزاد و بقیه را اعدام کنند . آن شخص عرض کرد : چرا آزادم نمودید ؟

رسول خدا ﷺ فرمود :

جبرئیل پیامی از خداوند برایم آورد که در تو پنج ویژگی وجود دارد که خدا و رسول آن خصلت‌ها را دوست دارند :

۱. غیرت شدید بر زنان حرمت

۲. سخاوت

۳. خوش اخلاقی

۴. راستگویی

۵. شجاعت .

آن مرد تا این سخن را شنید مسلمان شد و به گونه‌ای بصیرتش در اسلام بالا رفت که در رکاب پیامبر ﷺ جهاد نمود تا به شهادت رسید ^{۳۹}.

^{۳۸} . و اغضض بصرها بسترک و اکففها بحجابک ... وسائل الشیعة ج ۱۴ کتاب النکاح باب ۸۷ ح ۱ ص ۱۲۰

^{۳۹} . أتی النَّبِیُّ ﷺ بِأَسَارَى فَأَمَرَ بِقَتْلِهِمْ وَ خَلَّى رَجُلًا مِنْ بَيْنِهِمْ فَقَالَ الرَّجُلُ كَيْفَ أَطَلَقْتَ عَنِّي فَقَالَ أَخْبَرَنِي جِبْرِئِيلُ عَنِ اللَّهِ أَنَّ



غیرت خروس

ک **امام رضا** علیه السلام : در خروس سفید پنج خصلت از ویژگی های انبیاء علیهم السلام وجود دارد : معرفت او به اوقات نماز ، غیرت ، سخاوت ، شجاعت ، تعدد همسر^{۴۰} .

ک **امام صادق** علیه السلام : از خروس ، پنج خصلت را بیاموزید : معرفت به وقت نماز ، غیرت و ...^{۴۱}

غیرت انبیاء الهی علیهم السلام

ک **ابن عباس** : حضرت موسی علیه السلام مردی با غیرت بود ، به خاطر این که همسرش را نبیند ، همسفری انتخاب نمی کرد^{۴۲} .

ک **رسول خدا** صلی الله علیه و آله : پدرم ابراهیم علیه السلام غیرتمند بود و غیرت من بیش از اوست و

فِيكَ خَمْسَ خِصَالٍ يُحِبُّهَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ الْغَيْرَةَ الشَّدِيدَةَ عَلَى حَرَمِكَ وَ السَّخَاءَ وَ حُسْنَ الْخُلُقِ وَ صِدْقَ اللِّسَانِ وَ الشَّجَاعَةَ فَلَمَّا سَمِعَهَا الرَّجُلُ أَسْلَمَ وَ حَسُنَ إِسْلَامُهُ وَ قَاتَلَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ حَتَّى اسْتَشْهَدَ . . .

أمالی صدوق مجلس ۴۶ ح ۷ ص ۴۳۰ . خصال باب الخمسه ص ۳۸۶

^{۴۰} . عَنْ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : فِي الدِّيَكِ الْأَبْيَضِ خَمْسُ خِصَالٍ مِّنْ خِصَالِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَعْرِفَتُهُ بِأَوْقَاتِ الصَّلَوَاتِ وَ الْغَيْرَةَ وَ السَّخَاءَ وَ الشَّجَاعَةَ وَ كَثْرَةَ الطَّرِيقَةِ . . .

خصال باب الخمسه ص ۴۰۷ . وسائل الشيعة ج ۳ ابواب المواقيت باب ۱ ص ۸۲ ح ۱۸

^{۴۱} . الصادق علیه السلام : تعلموا من الديك خمس خصال : محافظته على اوقات الصلوات ، و الغيرة و ...

وسائل الشيعة ج ۳ ابواب المواقيت باب ۱ ص ۸۰ ح ۹

^{۴۲} . عن ابن عباس قال : إن موسى عليه السلام كان رجلاً غيوراً لا يصحب الرفقة لثلاث ترى إمرأته . . .

سفينة البحار ج ۶ في الغيرة ص ۷۱۱



بریده باد بینی مسلمان و مؤمن بی غیرت^{۴۳}.

نماز جمعه ، نماز عید فطر و قربان

محمد بن شریح از امام صادق علیه السلام ، درباره رفتن زنان به نماز عید فطر و عید قربان ، پرسید ، امام علیه السلام فرمود : نه ، مگر پیرزنان^{۴۴}.

یونس بن یعقوب می گوید : درباره شرکت زنان در نماز عید فطر و قربان و نماز جمعه از امام صادق علیه السلام پرسیدم ، حضرت فرمود : نه ، مگر بانوان پیر^{۴۵}.

حق شوهر

زنی محضر پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد : ای رسول خدا ، حق شوهر بر زن چیست ؟

حضرت فرمود : ... بدون اجازه از خانه اش بیرون نرود ، و اگر بی اجازه برود ، تا هنگام برگشتن به خانه ، فرشتگان آسمان و زمین و ملائکه رحمت و غضب بر او لعنت می فرستند^{۴۶}.

^{۴۳} . الصادق علیه السلام : قال رسول الله ص : كان ابراهيم ع غيورا و أنا أغير منه و جدع الله أنف من لا يغار من المؤمنين والمسلمين .

کافی ج ۵ کتاب النکاح ص ۵۳۶ ح ۴

^{۴۴} . عن محمد بن شريح سألت أبا عبد الله علیه السلام عن خروج النساء في العیدین فقال لا ، إلا العجوز ...

وسائل السیعة ج ۱۴ باب ۱۳۶ ص ۱۷۶ و ۱۷۷ ح ۱

^{۴۵} . عن یونس بن یعقوب سألت أبا عبد الله علیه السلام عن خروج النساء في العیدین و الجمعة ، فقال : لا إلا امرأة مسنة .

وسائل السیعة ج ۱۴ باب ۱۳۶ ص ۱۷۷ .

^{۴۶} . عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقَّ الزَّوْجِ عَلَيَّ الْمَرْأَةِ



مردان بی حیا و بی غیرت

کے امیرالمؤمنین علیہ السلام خطاب بہ مردم عراق می فرماید : ای اهل عراق ، خبردار

شده ام کہ زنان شما در خیابانها با مردان برخورد می کنند ، آیا حیا نمی کنید ؟ !^{۴۷}

کے و در روایتی دیگر امام علیہ السلام فرمودند : حیا نمی کنید ؟ غیرت نمی ورزید ؟ حال

آن کہ زنان شما به بازارها می روند و با علوج^{۴۸} برخورد می کنند !^{۴۹}

کے و روایاتی دیگر ...^{۵۰}

فَقَالَ لَهَا أَنْ تُطِيعَهُ وَ لَا تَعْصِيَهُ ... وَ لَا تَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ إِنْ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَتْهَا مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَ مَلَائِكَةُ

الْأَرْضِ وَ مَلَائِكَةُ الْغُضَبِ وَ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا ...

کافی ج ۵ ص ۵۰۷

^{۴۷} . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیہ السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیہ السلام : يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا

تَسْتَحْيُونَ .

کافی ج ۵ ص ۵۳۷ . وسائل السیعة ج ۱۴ باب ۱۳۲ ص ۱۷۴ ح ۱

^{۴۸} . مردان بی دین و کافر .

^{۴۹} . أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیہ السلام قَالَ : أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ لَا تَغَارُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَ يَزَاحِمْنَ الْعُلُوجَ .

کافی ج ۵ ص ۵۳۷ . وسائل السیعة ج ۱۴ باب ۱۳۲ ص ۱۷۴ ح ۲

^{۵۰} . کے النبوی صلی اللہ علیہ وسلم : ... النساء عی و عورة فاستروا العورات بالبيوت و استروا العی بالسکوت .

کافی ج ۵ کتاب النکاح ص ۵۳۵ ح ۴

کے العلوی علیہ السلام : ... احبسوا نساءکم یا معاشر الرجال .

کافی ج ۵ کتاب النکاح ص ۳۳۷ ح ۶

کے الصادقی علیہ السلام : ... فهمة النساء فی الرجال فحصّوهن فی البيوت .

کافی ج ۵ کتاب النکاح ص ۳۳۷ ح ۴

کے الصادقی علیہ السلام : لا تسلم علی المرأة .

کافی ج ۵ کتاب النکاح ص ۵۳۵ ح ۲

کے الصادقی علیہ السلام : کان رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم یسلم علی النساء و یرددن علیہ و کان أمير المؤمنين علیہ السلام یسلم علی النساء و کان

یکره أن یسلم علی الشابة منهن و یقول : أتخوف أن یعجنی صوتها فیدخل علیّ أكثر مما طلبت من الأجر .

کافی ج ۵ کتاب النکاح ص ۵۳۵ ح ۳



گرایش به حجاب امری فطری

يَنْبَىٰ آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَٰتِهِمَا ۗ ۵۱ ۵۲

از آیات ۱۹ تا ۲۷ سوره اعراف به روشنی استفاده می‌شود که اصل گرایش به حجاب امری فطری است .

آدم و حوا علیهم‌السلام، در بهشت دارای پوشش بودند و شیطان حضرت آدم و حوا علیهم‌السلام را وسوسه کرد، برای این که آن دو باور کنند و بتواند فریبتشان دهد قسم خورد که من خیرخواه شما هستم .

وقتی که آن دو از درخت ممنوع خوردند، بدنشان برهنه گردید و شرمگاهشان آشکار شد و در اثر وسوسه شیطان پوشش و لباس خودشان را از دست دادند، آن گاه با برگ درختان بهشت (برگ درخت انجیر) شروع به پوشاندن خود نمودند . ۵۳

۵۱. اعراف ۲۷: ای فرزندان آدم، شیطان شما را نفریبد، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباسشان را از تنشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آنها نشان دهد .

۵۲

مبادا که مفتون شیطان شوید
به نیرنگ خام و به تدبیر سست
ز فردوس یزدان براندی بدر
برون راند از باغ سبز خدا
نمودند عصیان به پروردگار

آلا ای بنی آدم این بشنوید
همانسان که شیطان به روزنخست
فریباند هم مادر و هم پدر
به اغوا پدر مادر خلق را
شد آنگاه عورتشان آشکار

۵۳. تفسیر صافی ج ۲ ص ۱۸۵ و ۱۸۶ .



آدم عَلَيْهِ السَّلَام پس از یک توقف کوتاه در بهشت^{۵۴}، ... برهنه و عریان بودند.

خداوند امر کرد، یکی از هشت جفت قوچی که از بهشت به ایشان عطا کرده بود،

ذبح کنند، سپس حوا^{۵۵} پشم آن را رشت با دست یاری آدم عَلَيْهِ السَّلَام از تابیده‌های آن

یک جامه بلند برای آدم و یک پیراهن و روسری جهت حوا بافته شد.

بدین وسیله بدن انسان‌های نخستین پوشیده گردید و از برهنگی و شرمندگی آن

نجات یافت^{۵۶}.

شیطان و برهنگی

این احساس شرم از برهنگی بدون حضور ناظر بیگانه و سرعت در پوشاندن خود

به وسیله برگ درختان، بیانگر فطری بودن پوشش در انسان است.

در نتیجه برهنگی یک امر شیطانی است و اولین کسی که برهنگی را ایجاد نمود و

تمام تلاش خود را در این مورد به کار برد، شیطان بود و هدفش آن بود که

آبرویی برای بشر باقی نگذارد.

کسانی که امروز به هر عنوان برهنگی را ترویج می‌کنند و می‌گویند: زن باید

آزاد باشد، چه آنان که لباس‌های مبتذل را تولید می‌کنند، چه افرادی که

^{۵۴}. حضرت آدم و حوا عَلَيْهِمَا السَّلَام به خاطر ترک اولی و حکمت الهی از بهشت به زمین فرود آمدند و سرانجام توبه کردند و

خداوند متعال توبه‌شان را پذیرفت.

^{۵۵}. رشتن: ریسیدن. فرهنگ عمید

^{۵۶}. داستان‌های حجاب ص ۱۲ داستان اول.



فروشنده‌اند، چه زنانی که در انظار عمومی و در برابر نامحرم پوشش نامناسب استفاده می‌کنند، همه در واقع خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه در مسیر شیطان قدم برمی‌دارند و به او اقتداء کرده‌اند و شیطان هم قسم یاد کرده تا انسان را اسیر نکند و به قعر جهنم نفرستد رهایش نکند.

داستان پادشاه احمق

دو خیاط به شهری وارد شدند و پادشاه را فریفتند و گفتند: ما در فنّ خیاطی استادیم و بهترین لباس‌ها را که برازنده قامت بزرگان باشد می‌دوزیم، اما از همه مهم‌تر، هنر ما این است که می‌توانیم لباسی را برای پادشاه بدوزیم که فقط حلال‌زاده‌ها قادر به دیدن آن باشند و هیچ حرام‌زاده‌ای آن را نبیند، اگر اجازه فرمایید چنین لباسی برای شما نیز بدوزیم.

پادشاه با خوشحالی موافقت کرد و دستور داد مقادیر هنگفتی طلا و نقره در اختیار دو خیاط گذاشتند تا لباسی با همان خاصیت سحرآمیز بدوزند که تارش از طلا و پودش از نقره باشد.

خیاط‌ها پول و زر و سیم را گرفتند و کارگاهی عریض و طویل دایر کردند و دوک و چرخ و قیچی و سوزن را براه انداختند و بدون آنکه پارچه و نخ و طلا و نقره‌ای صرف کنند دست‌های خود را چنان استادانه در هوا تکان می‌دادند که گویا مشغول دوختن لباسند.



روزی پادشاه ، نخست وزیر را به دیدن لباس نیمه کاره فرستاد اما صدر اعظم هر چه نگاه کرد چیزی ندید ، از ترس آن که مبادا دیگران بفهمند که او حلال زاده نیست با جدیت تمام زبان به تعریف لباس و تمجید از هنر خیاطان گشود و به پادشاه گزارش داد که کار لباس به خوبی رو به پیشرفت است .

مأموران عالی رتبه دیگر هم به تدریج از کارگاه خیاطی دیدن می کردند .

همه پس از آن که با ندیدن لباس به حرامزادگی خود پی می بردند این حقیقت تلخ را پنهان می کردند و در تأیید کار خیاطان و توصیف لباس بر یکدیگر سبقت می گرفتند تا بالأخره نوبت به خود پادشاه رسید و به خیاط خانه سلطنتی رفت تا لباس زربفت عجیب خود را به تن کند البته او هم چیزی ندید و پیش خود گفت : معلوم می شود فقط من یکی در میان این همه حلال زاده نیستم او هم با کمال دیر باوری و ناراحتی ، ناچار وجود لباس و زیبایی و ظرافت آن را تصدیق کرد و در مقابل آینه ایستاد تا آن را به تن او اندازه کنند .

خیاطان حقه باز پس می رفتند و پیش می آمدند و لباس موهوم را بر تن پادشاه راست و درست می کردند و آن بیچاره لُخت ایستاده بود و از ترس سخن نمی گفت و ناچار دائماً از داشتن چنین لباسی اظهار مسرت نیز می نمود .

سرانجام قرار شد جشنی عظیم در شهر به پا شود تا پادشاه جامه تازه را بپوشد و خلاق ، همه او را در آن لباس ببینند . مردم به عادت معمول در دو سمت خیابان



ایستادند و پادشاه لُخت با آداب تمام، با آرامش و وقار از برابر آنان عبور می‌کرد و دو نفر از خدمه دربار دنباله لباس را در دست داشتند تا به زمین مالیده نشود و درباریان، رجال، امیران و وزیران نیز با احترام و حیرت و تحسین پشت سر پادشاه در حرکت بودند و مردم نیز با آن‌که هیچ کدامشان لباس بر تن پادشاه نمی‌دیدند از ترس تهمت حرامزادگی، غریو^{۵۷} شادی سر داده بودند و لباس جدید را به پادشاه تبریک می‌گفتند!

ناگاه کودکی از میان مردم فریاد زد:

این‌که لباس بر تن ندارد! این چرا لخت است؟

هر چه مادر بیچاره‌اش سعی کرد او را از تکرار این حرف منصرف کند نتوانست.

کودک دوباره به سماجت گفت: چرا پادشاه برهنه است؟

کم‌کم یکی دو بچه دیگر نیز همین حرف را تکرار کردند و بعضی از تماشاچیان با

تردید این حرف را برای هم نقل کردند و دیری نگذشت که جمعیت یکپارچه فریاد

زدند که چرا پادشاه لخت است؟ و چرا... و چرا...!!!

آری اینک هم تمدن غرب چنین وانمود می‌کند که می‌خواهد برای انسان لباس

بدوزد، اما در حقیقت به جای آن‌که لباس بر تن او کند او را برهنه ساخته است و

هیچ‌کس هم جرأت نمی‌کند فریاد بر آورد که لباسی در کار نیست و حاصل این

^{۵۷}. غریو: فریاد، خروش. فرهنگ عمید.



همه مُد و پارچه و چه و چه برهنگی انسان است .

همه می ترسند که مبادا خیاطان حقه بازی که زر و سیم را برده اند و می برند آنان را به ناپاکی در اصل و نسب متهم کنند^{۵۸}!!!

مبارزه با حجاب

حجاب بانوان در اسلام یکی از اموری است که از وقتی استعمارگران ، چشم طمع به کشورهای اسلامی و غصب معادن و منابع طبیعی آنها دوختند ، مورد حمله آنان قرار گرفت .

زیرا چادر و حجاب زنان مسلمان را یکی از عوامل بزرگ برای بقاء استقلال شخصیت اسلامی کل جامعه مسلمانان و حفظ هویت اسلامی آن دیدند و آن را مانع سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود شناختند^{۵۹} .^{۶۰}

^{۵۸} . داستان های حجاب ص ۳۰ تا ص ۳۲ .

^{۵۹} . آیت الله گلپایگانی ، حجاب شناسی (چالش ها و کاوش های جدید) ص ۱۵۷ و ۱۵۸ قسمتی از پیام آیت الله گلپایگانی به کنگره سراسری حجاب .

^{۶۰} . باید بدانیم دشمن به هیچ نوع پوششی ، خواه چادر باشد و خواه ماتو و روسری و ... تمایل ندارد .

آنچه او می خواهد بی حجابی و به ابتدال کشیدن جامعه و به دنبال آن تسلط بر کشور است .

دشمنان وقتی از ما خشنود می شوند که همان وضع غرب بلکه بدتر از آن را در کشور ما به وجود آورند .

خداوند سبحان خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می فرماید : وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ

قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ ۗ وَلَئِنَّ آتَابِعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۗ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ

مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (بقره ۱۲۰) یهود و نصاری هرگز از تو راضی نخواهند شد تا (به طور کامل تسلیم خواسته های



نقل یک خاطره

هم از جهت لباس و هم از جهت کشف حجاب زنان، وضع فجیعی بوجود آورده بودند حتی در حرم مطهر [امام رضا علیه السلام] به خدمه و پاسداران حرم دستور داده بودند که چادر و چارقد را از سر زن‌ها بکشند.

به یک تعبیر گفتند که گاهی شنیده می‌شد عده‌ای در پای ضریح می‌گفتند: خجالت بکش با روسری نیا!!

زن‌های خانواده ما و منسوب به ما سحر از منزل بیرون می‌رفتند و صله ارحام به جا می‌آوردند، حتی یکی از خانم‌ها را که مأمور تعقیب کرده بود حالتی برایش به وجود آمد که بعد از دو یا سه روز ناراحتی در منزل ما فوت شدند.

به شدت جلوگیری می‌کردند از حجاب و دخترها را با اوضاع بدی در خیابان‌ها رژه می‌بردند، کاملاً روشن بود که همه این کارها برای از بین بردن مظاهر دینی است.^{۶۱}

یک بانوی غربی

اهل انگلستان ام^{۶۲} و حدود ۲۲ سال در آن‌جا زندگی کرده‌ام، اما اکنون ملیت من ایرانی است. با وجود آن‌که در یک خانواده کاتولیک به دنیا آمده و بزرگ شده

نادرست آنان شوی و) از آیین تحریف شده آنان پیروی کنی، ای پیامبر صلی الله علیه و آله بگو: راه خداوند فقط راه راست و حق است.

^{۶۱}. آیت الله مروارید، داستان‌های حجاب ص ۲۵ و ۲۶.

^{۶۲}. فاطمه دولان استاد مسلمان انگلیسی زبان در ایران.



بودم ولی مثل بیشتر انگلیسی‌ها مذهب کاتولیک برایم قابل قبول نبود .
 کاتولیک یکی از مذاهب مسیحیت است ، اما واقعاً غیر منطقی است و به نظر من
 تثلیث^{۶۳} و این مذهب به هیچ وجه قابل قبول نبود .

هرگاه از پدرهای روحانی کاتولیک سؤالی می‌کردم آنان در پاسخ می‌گفتند : آدم
 نباید زیاد سؤال کند ، این گونه برخوردها و بی‌پاسخی آنان کم‌کم مرا نیز همچون
 جوانان دیگر از دینم دور می‌کرد ، چرا که آن‌ها را بی‌فائده و بی‌معنی می‌دیدم .

اسلام مانند کاتولیک غیر منطقی نبود

به همین منوال برای چند سال ، دینی نداشتم تا این که در همان زمان با چند نفر
 مسلمان آشنا شدم و می‌توانم بگویم که همان آشنایی سر آغاز یک رشته تحولات
 درونی در من شد .

چندی نگذشت که کتابی راجع به اسلام به دستم رسید ، کتاب برایم بسیار جالب
 بود ، چرا که اسلام مانند کاتولیک غیر منطقی نبود .

اسلام هر حکمی را با ادله و منطق صحیح مطرح می‌کرد ، از این جهت برایم
 منطقی و قابل پذیرش بود .

^{۶۳} . مسیحیان تا سه قرن در باب الوهیت عیسی ﷺ اختلاف داشتند ، هنگامی که اوایل قرن چهارم اسقفی برجسته به نام
 آریوس بر ضد کسانی که اعتقاد به خدا بودن عیسی ﷺ داشتند قیام کرد و مجادلات بالا گرفت قریب ۳۰۰ اسقف به
 دعوت قسطنطین ، نخستین قیصر مسیحی در شهر نیکیه آسیای صغیر به سال ۳۲۵ میلادی شورایی تشکیل دادند و در
 این شورا قول به الوهیت عیسی با اکثریت قاطع پذیرفته شد و نظر آریوس مردود اعلام گردید .
 در قطع‌نامه آن شورا که به نام قانون نیقوی معروف است به این مطلب تصریح شده است .



کم کم با مفاهیمی چون یگانگی و وحدت خدا آشنا شدم .

از بچگی به ما گفته بودند که خدا سه شخص است و برای انسانی که کمی تأمل کند مشکل است چنین حرفی را باور کند^{۶۴}.

۶۴ . خطرناک تر از عقیده به تثلیث مسیحیان :

شایان ذکر است خطرناک تر از عقیده به تثلیث که در آیین مسیحیت رواج یافته است عقیده‌ای است که جمعی از به اصطلاح عارفان مسلمان برآند و آن وحدت وجود است .

از جمله عرفای اصطلاحی ابن عربی است ، او می گوید :

❖ فَإِنَّ الْعَارِفَ مَنْ يَرَى الْحَقَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ بِلِ يَرَاهُ عَيْنَ كُلِّ شَيْءٍ : عارف کسی است که خدا را در همه چیز ببیند بلکه خدا را عین همه چیز ببیند .

فصوص با شرح جامی فص هارونی ص ۴۶۲

ابن عربی معتقد است خداوند به صورت زمین ، آسمان ، انسان ، جن ، فرشته ، سنگ ، چوب و ... و در یک کلام به شکل مجموعه عالم پیوسته در نمود و ظهور است و جهان هستی همان حقیقت وجود خداوند است که هر لحظه به صورتی در می آید .

فصوص با شرح جامی فص هارونی ص ۴۶۷ و ۴۶۸

لذا در مورد آیه شریفه : لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ (۱۷ و ۷۲ / مائده) معتقد است مسیحیان برای این کافرنند که خدا را منحصر در عیسی کرده‌اند لذا اگر آنان می گفتند : همه چیز اوست ، عین توحید بود .

فصوص با شرح جامی فص عیسوی ص ۳۳۵

❖ قیصری در شرح گفتار ابن عربی می گوید :

گفتار (عیسی خداست) یا (خدا عیسی است) از جهت این که ذات خدا به صورت عیسی ظاهر گردیده درست است ، همچنان که حضرت حق به صورت مجموعه عالم ظاهر شده است و گفتار (عیسی پسر مریم است) هم درست است زیرا او بدون شک پسر مریم بوده است ولی مجموع کلام (خدا فقط مسیح است) صحیح نیست زیرا خدا منحصر در صورت عیسی می شود و این عقیده باطل است به دلیل اینکه تمام عالم صورت و نمود خداست نه عیسای تنها .

فصوص با شرح قیصری فص عیسوی ص ۸۶۵

❖ و حسن زاده آملی هم می گوید : این که آنان گفته‌اند : خداوند مسیح بن مریم است از جهت تعیین هویت حق به صورت عیسوی راست گفته‌اند .

و همچنین این که عیسی ، مسیح بن مریم است راست گفته‌اند .

و لیکن حصر حق تعالی در صورت عیسی نادرست و باطل است زیرا همه عالم چه غیب و چه شهود صورت حق است



دیگر شکی برایم باقی نمانده بود ، نماز را کم کم آموختم و از همان زمان که نماز را آغاز کردم عملاً خود را مسلمان یافتم . . .

باید بگویم خداوند آن کس را که در راهش تلاش و مجاهده می‌کند هدایت می‌فرماید .

من وقتی می‌بینم که قبلاً چه بوده‌ام و اکنون به کجا رسیده‌ام واقعاً قبول می‌کنم که تنها خدا بود که مرا هدایت و حمایت کرد و اسبابی فراهم کرد تا این راه را انتخاب کنم و از این موضوع بسیار خوشحالم . . .

نه عیسای فقط .

ممد الهمم ص ۳۵۷

بطلان عقاید ذکر شده

روشن و بدیهی است که چنین سخنانی ، ضدّ فرمایشات امامان معصوم و اولیاء دین است . در مکتب قرآن و وحی جهان هستی آفریده خداوند متعال است و حقیقت مخلوق با خالق از یک سنخ و جنس نیست ، و عین او هم نمی‌باشد و اشیاء نه پدیدآمده از ذات خدایند و نه صورت یا اجزاء وجود اویند . خوانندگان محترم می‌توانند برای آشنایی بیشتر در نقد وحدت وجود به منابع ذیل مراجعه نمایند :

- ۱ . تاریخ فلسفه و تصوّف آیت الله نمازی شاهرودی .
- ۲ . تنزیه المعبود فی الرد علی وحدة الوجود سید قاسم علی احمدی .
- ۳ . عارف و صوفی چه می‌گویند ؟ آیت الله میرزا جواد تهرانی .
- ۴ . توحید الامامیه آیت‌الله شیخ محمد باقر ملکی میانجی .
- ۵ . هداية الأمة الى معارف الائمه حاج شیخ محمد جواد خراسانی .
- ۶ . کتاب‌های سراب عرفان ، فراتر از عرفان و وحدت یا توحید از حجت الاسلام حسن میلانی .
- ۷ . تنبیهاً حول المبدأ و المعاد آیت‌الله مروارید .
- ۸ . نقدی جامع بر تصوّف شیخ حرعاملی با ترجمه عباس جلالی .
- ۹ . سلسله مباحث عقائد سنخیت ، عینیت یا تباین ؟ آیت الله حاج سیدجعفر سیدان .
- ۶ . عین الحیات علامه مجلسی ج ۱ اصل دوم ص ۹۳ تا ۹۵ با تحقیق سید مهدی رجائی .



زن عروسی در دست دیگران

در اولین مطالعات خود دریافتم که اسلام از شخصیت زن به مراتب بیش از ادیان دیگر محافظت و تجلیل کرده است، من به وضوح می‌دیدم که در محیطی که ما زندگی می‌کردیم زن ارزشی بیش از یک اسباب بازی ندارد و عروسی در دست دیگران است یعنی تمام دنیای یک زن در این خلاصه می‌شود که چگونه ظاهرش، طرز راه رفتنش و لباسش را بسازد و چگونه بیشتر جلب توجه کند... من به عنوان کسی که در کشور غربی زندگی کرده است می‌فهمم که فلسفه حجاب چیست.

حجاب پاسدار ارزش‌هایی است که اسلام برای زن مقرر فرموده است، وجود حجاب باعث می‌شود که زن ارزش خود را از حد یک کالای تجاری یا وسیله‌ای برای بهره‌دهی بیشتر بالاتر ببرد و هم خود برای خویش ارزش قائل باشد و هم جامعه را وادار به احترام کند.

حجاب سنگر زن است یعنی او را در برابر حملات فرهنگ‌های وارداتی حفظ می‌کند، به تعبیر دیگر داشتن پوشش اسلامی در جامعه باعث می‌شود که هیچ زنی بر زن دیگر به لحاظ ظاهر برتری نداشته باشد، همه با هم برابر می‌شوند و سعی می‌کنند که مسلمانان خدمتگزار جامعه باشند و اهمیتی نخواهند داد که زنان دیگر چگونه لباس پوشیده‌اند.

حجاب در دنیای امروز یک ضرورت است اگر ما به تاریخ دقیق شویم در



می‌یابیم که زن همیشه به واسطه زیباییش مورد سوء استفاده قرار گرفته است ، اما اسلام می‌گوید که زن باید زیبایی خود را بپوشاند و آن را جز به همسر به دیگری عرضه نکند ، بدین طریق است که زن می‌تواند یک مسلمان واقعی باشد . . .^{۶۵}

دیدگاه فقها و علما

☞ بر زن مؤمن لازم است حجاب خود را رعایت کند ، ترک حجاب و اختلاط بین زن و مرد که منشأ و مقدمه فساد و گناه باشد معصیت است و رجوع به کفار معصیت دیگری است .

مؤمن آخرتش را به این امور ارزان نمی‌فروشد .

در مجالس مؤمنین باید حجاب شرعی رعایت و از اختلاط بین زن و مرد اجتناب شود^{۶۶} .

س . آیا حجاب از ضروریات دین است ؟ و حکم کسانی که به آن بی‌اعتنایی می‌کنند چیست ؟

آیت‌الله تبریزی : اصل حجاب برای زنان از ضروریات دین است و حکم کسانی که به آن بی‌اعتنایی نمایند حکم بی‌اعتنایی به سایر تکالیف دینی است .

آیت‌الله سیستانی : اصل حجاب از مسلمات شریعت است و در قرآن آمده است ولی کسانی که توجه به وضوح آن ندارند انکار آن‌ها مستلزم انکار نبوت نیست و

^{۶۵} . مجله زن روز شنبه سوم آذرماه ۱۳۶۳ شماره ۹۹۴ ص ۸ ، ۹ ، ۵۴ و ۵۵ .

^{۶۶} . آیت‌الله تبریزی ، استفتانات جدید ج ۲ ص ۳۶۲ س ۱۵۰۰ .



بی‌اعتنایی عملی گناه است .

آیت الله مکارم شیرازی : آری حجاب از ضروریات دین است ولی انکار آن برای کسانی که از ضروری بودن آن آگاهی ندارند موجب ارتداد نمی‌شود .

مقام معظم رهبری : اصل حجاب ضروری دین محسوب است و بی‌اعتنایی به اصل حجاب و عدم رعایت آن معصیت و گناه است .

آیت الله بهجت : بی‌اعتنایی به حجاب گناه است و داشتن حجاب واجب است .

آیت الله صافی گلپایگانی : اصل وجود حجاب فی‌الجمله از ضروریات اسلام است و منکر آن مرتد است ولی بی‌اعتنایی به آن با عدم انکار وجوب آن فسق است .^{۶۷}

مرحوم امام : اصل حکم حجاب از ضروریات است و منکر آن ، حکم منکر ضروری را دارد و منکر ضروری محکوم به کفر است . مگر این که معلوم باشد که منکر خدا یا رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله نیست .^{۶۸}

س . اگر کسی در نوشته یا گفتار خود حجاب را منکر شود ، آیا مرتد محسوب می‌شود ؟

ج . بله .^{۶۹}

^{۶۷} . مسائل جدید ج ۱ ص ۲۹ و ۳۰ .

^{۶۸} . استفتائات مرحوم امام ج ۳ ص ۲۵۳ س ۲۳ .

^{۶۹} . آیت الله بهجت ، استفتائات ج ۴ ص ۵۱۹۵ س ۱۷۳ .



جهاد در راه خدا

☞ در این زمان اگر کسی بتواند متعلقین و منسوبین و خانواده خود را به مواعظ و نصایح و ادار به حجاب و عصمت و عفت و رفتار موافق با دستورات شرع و عمل به واجبات و مستحبات و ترک محرّمات و مکروهات بنماید فی الحقیقه حکم جهاد فی سبیل الله است (در حقیقت به حکم جهاد در راه خداست)^{۷۰}.

حجاب ارزش است

شما جنس مرغوب را در کادو می پیچید ، روی تلویزیون پارچه می اندازید ، کتاب قیمتی را جلد می کنید ، طلا و جواهرات را ساده در دسترس قرار نمی دهید ، بنابراین جلد ، و حجاب نشانه ارزش است .

خداوند (متعال) برای چشم که ظریف است و خطرات آن را تهدید می کند حجاب قرار داده است . حجاب باعث تمرکز فکر مردان که بخش عمده تولید جامعه بدست آنان است می گردد .

در کشورهای بی حجابی است نظام خانواده از هم گسسته و آمار طلاق غوغا می کند .

اسلام به خاطر حفظ حیا ، کرامت و جلال ، جلوگیری از تشّت و هوسبازی و گسستن نظام خانواده حجاب را واجب فرموده . . . ابرقدرت‌ها از این نشانه پر

^{۷۰} . آیات عظام فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی ، بهجت ، گلپایگانی : استفتاء خصوصی کتبی از مراجع عظام تقلید ، مجمع

المسائل آیت الله گلپایگانی ج ۲ ص ۲۳۳ قسمتی از جواب س ۶۶۰ .



ارزش آن قدر هراس دارند که چند دختر مسلمان را با پوشش اسلامی بر سر درس تحمل نمی کنند.^{۷۱}

حفظ گل

مرد او اندر مَثَل باشد چو مرد باغبان	زن بسان گل بود در باغ و گلزار جهان
تا گلش ایمن شود از دستبرد این و آن	باغبان باید که دیواری کشد بر دور باغ
گر همی خواهد گلش همواره در امن و امان	مرد هم باید پیوشاند به زن زیب حجاب
غنچه ناموس خود را در کف بیگانگان	ورنه می باید ببیند او به چشم خویشتن

بی حجابی و خیانت به همسر

منفلوطی^{۷۲}، از یکی از دوستانش که شیفته اخلاق و عادات غربیان شده بود یاد می کند و می گوید: هنگام برگشت از سفر تحصیلی که به غرب کرده بود با اصرار تمام از همسر پاکدامن و عفیف خود خواست که حجاب را کنار بگذارد و از آن چه که او نشانه عقب ماندگی می نامید، دست بردارد ولی همسر او حاضر نمی شد، نه او راضی و نه پدر و اقوام زن مایل به این کار بودند حتی در اثر اصرار شوهر می گفت:

مرگ را به ذلت بی حجابی ترجیح می دهم، بمیرم و بی پرده با نامحرمان ننشینم، تا جایی که این بحث تبدیل به دعوایی خانوادگی شد و بالاخره، همسرش تسلیم شده و با حجاب خداحافظی کرد.

^{۷۱}. حجت الاسلام قرائتی، داستان های حجاب ص ۵۳، ۵۴ با تلخیص.

^{۷۲}. نویسنده مشهور مصری.



آن رفیق را هرچه نصیحت کردم ، نپذیرفت و هرچه زیاد از مفاسد بی‌حجابی گفتم کم شنید . . . مدتی این دو خوشحال از این که متجدّد شده‌اند با همدیگر و بدون قید و پوشش و حجاب به مراکز رقص و دانس^{۷۳} و تفریح می‌رفتند ، دوست غرب زده من به طور کامل به همسرش وفادار بود و به او نیز همین اطمینان را داشت تا این که یک روز در سر کار خود حاضر شده و خانمش را در خانه تنها گذاشته بود که تلفن زنگ زده و او را به شهربانی احضار می‌کنند .

منفلوطی در آن‌جا جریان مفصلی را نقل می‌کند که خلاصه آن ، خیانت همسر بی‌حجاب آقای غرب زده و رابطه او با چندین نفر است .

شنیدن خبر این حادثه چنان ضربه روحی به وی وارد می‌کند که از همان جا عوض برگشت به خانه ، روانه بیمارستان می‌شود ، او که احساس می‌کرد صمیمی‌ترین فرد زندگیش به وی خیانت کرده است روز به روز حالش بدتر و وخیم‌تر شد و بالاخره از دنیا رفت .

منفلوطی می‌گوید : در لحظات آخر عمر او ، من بالای سرش بودم ، به من گفت : من می‌میرم ولی به خانواده‌ام بگویید : همسر خیانتکار مرا نرنجانند ، هر چند او گناه بزرگی را مرتکب شد ولی مقصّر اصلی او نیست ، مقصّر اصلی خود من هستم که با اصرار و دعوا سعی در بیرون آوردن او از حصار عفاف و حجاب داشتم . درحقیقت گام اول همه این مصیبت‌ها ، تقلید کورکورانه من از غربیان بود ،

^{۷۳} . دانس : پایکوبی و رقص . فرهنگ عمید .



پس مقصّر من هستم نه او ، او را آزار ندهند .

سپس به کودکی که در کنار بستر او بود رو کرد و گفت : اگرچه معلوم نیست تو فرزند من باشی ولی به هر حال مرا حلال کن ، زیرا من شما را ذلیل کردم با این جملات آخرین کورسوهای چراغ عمر وی به پایان رسید و دنیا را وداع گفت^{۷۴} .

یک استفتاء

س . آیا مرد می تواند و اختیار دارد که همسر خود را مجبور به برداشتن چادر و رفع حجاب بنماید یا نه ؟ لطفاً حکم خدا را بیان فرمایید .

ج . چون بر زن حجاب واجب است بر مرد جایز نیست او را اجبار به بی حجابی و خلاف شرع بنماید .

و بر زن هم واجب نیست اطاعت شوهر در معصیت خدا که :

لا طاعةَ لمخلوقٍ فی معصيةِ الخالق^{۷۵}

بطور کلی مرد باید از داشتن چنین همسری با عفت و نجابت شکر خداوند متعال را بجا آورد .

در این زمان که مفسد اختلاط زن و مرد در روش های غیر انسانی ، زن را اگر چه آزادی شمرده می شود بانحطاط اخلاقی گرفتار کرده و از آزادی حقیقی و ارزش انسانی یک زن محروم کرده و روز به روز در همه نقاط دنیا آثار شوم

^{۷۴} . فساد سلاح تهاجم فرهنگی ص ۱۱۸ و ۱۱۹ . الحجاب و الاسلام یا بهترین ارمغان در حجاب زنان ص ۶۱ و ۶۲ .

^{۷۵} . در معصیت خالق ، اطاعت مخلوق ممنوع است .



اوضاع و روابط نامشروع کنونی زن توسعه پیدا می کند و چون از تعالیم نجات بخش اسلام که مرد و زن را در مسیر عالی ترین کمالات مخصوص بخود قرار داده منحرف شده اند و راهی برای جبران این همه خسارات معنوی پیدا نمی کنند . این گونه زنان مؤمنه و ملتزم به تعالیم اسلام باید مورد تقدیر باشند و شهادت آن ها در این موقع که بسیاری از مردها و زن ها در برابر هجوم کالاهای فساد اجانب خود باخته شده و حقارت و کمبودهایی را که در خود احساس می کنند به دارویی که بر درد می افزاید و شدت می دهد جبران می کنند غیر قابل وصف می باشد .

و در اجتماعی که خروج از سنن اسلامی و شرف و عفت تقدّم و به جلو رفتن شمرده می شود زنانی که ملتزم به احکام خدا باشند و با قدرت و با ایمان به خدا در برابر تمام مظاهر دروغ و مخرب مقاومت دارند و احساس ناراحتی نمی کنند و اگر هم تنها بمانند ثابت و پایدارند در درگاه خداوند و در نظر اولیاء اسلام و هر کس که ارزش های واقعی انسانی را می شناسد قدر و افتخارشان زیاد است خداوند متعال این بانوان را در جامعه مسلمان زیاد کند و شخصیت اسلامی آن ها را حفظ فرماید و از عهده امتحانات که در اخبار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از آن خبر داده شده پاک و خالص بیرون آورد .

من انتظار دارم که شوهر یک بانوی محترمه مسلمان نیز این گونه توقعات را از او نداشته باشد و اگر تا حال هم چنین توقعی بوده از این تاریخ به بعد به احترام



تعالیم و آداب اسلامی در روش خود تجدید نظر نماید *إن شاء الله* تعالی مأجور خواهند بود^{۷۶}.

ادامه مطلب در پیام دین با عنوان زینت زن ج ۲

تذکر:

- جزوه چرک نویس می باشد ، ویرایش نهایی نشده است .
- منابع در انتهای زینت زن ج ۴ ذکر می گردد .

مدیر مسئول : علی صادقی موحد

صاحب امتیاز : احمد سعید کریمی

طرح جلد : مرتضی نعیمی

موضوع : زینت زن ج ۱

تاریخ تألیف : فروردین ۱۳۸۶

تاریخ بازبینی : بهمن ۱۳۹۹

^{۷۶}. آیت الله گلپایگانی ، مجمع المسائل ج ۲ ص ۱۸۷ تا ۱۸۹ س ۵۳۴ .